

بررسی عوامل مؤثر بر تجلی حس زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی منطقه سیستان

علی اکبر عنابستانی *، حسنعلی جهانیغ **

1396/02/02

تاریخ دریافت مقاله:

1396/07/29

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

سکونتگاه‌های روستایی مجموعه‌ای واحد و بهم پیوسته می‌باشند که در طی زمان، مطابق با شرایط محیطی و زندگی اجتماعی، اقتصادی مردم شکل گرفته‌اند. مجموعه این هماهنگی‌ها باعث شده تا اصالت و زیبایی مشخصه بارز سکونتگاه‌های روستایی گردد که نمونه آن را می‌توان در نقاط روستایی سیستان مشاهده نمود. بر این اساس شناخت مؤلفه‌های اثرگذار بر حس زیباشناختی روستایی و بکار گرفتن آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها امری ضروری به حساب می‌آید، زیرا می‌تواند به عنوان نقشه راهنمای در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کالبدی کشور قرار گیرد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی – تحلیلی است که بخش عمده داده‌های آن از طریق مصاحبه و تنظیم پرسشنامه (35 نفر از کارشناسان و مدیران روستایی و 344 نفر از روستاییان) جمع‌آوری شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل سلسه‌مراتبی فازی (FAHP) و روش تحلیل رتبه رابطه خاکستری (GRA) استفاده شده است. نتایج روش تحلیل سلسه‌مراتبی فازی نشان می‌دهد که در بین عوامل چهارگانه، عامل کالبدی – فیزیکی با ضریب تأثیر (0.59) درصد رتبه اول و عامل اجتماعی – فرهنگی با ضریب تأثیر (0.29) درصد، رتبه دوم را بدست آورده است. همچنین ابعاد اقتصادی و طبیعی به ترتیب با ضریب (0.07) و (0.05) درصد، رتبه‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص دادند. با هدف رتبه‌بندی جاذبه‌های زیباشناختی روستاهای مورد مطالعه، با استفاده از تکنیک (GRA)، مشخص گردید که از بین 15 روستای مورد مطالعه، تعداد 6 روستا دارای ضریب مطلوبیت بالای 0.50 درصد به ایده‌آل مثبت هستند که در این بین، روستاهای قلعه‌نو، سه‌کوهه و سه‌قلعه با ضرایب (1.000)، (0.810) و (0.658) درصد بالاترین پتانسیل‌های زیباشناختی روستایی را دارند. از طرف دیگر، 9 روستا ضریب نزدیکی به 50 درصد ایده‌آل مثبت داشته‌اند که در این بین روستاهای لوتک، شهرک گلخانی و فرقروی به ترتیب با ضرایب (0.304)، (0.286) و (0.324) درصد، بیشترین فاصله را با ایده‌آل مثبت دارند و از نظر مدیران روستایی دارای جاذبه زیباشناختی پایینی نسبت به سایر روستاهای نمونه می‌باشند.

واژگان کلیدی: زیباشناختی، معماری روستایی، بافت روستا، سیستان.

* استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد. anabestani@um.ac.ir

** دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

برخورداری بافت و معماری روستایی از زیبایی اکولوژیکی، استفاده از مصالح بومی، هماهنگی با شرایط محیطی در استقرار بافت و ساخت و ساز مسکن، قرار گرفتن روستاهای در بستر طبیعی و برخورداری از مناظر و چشم اندازهای طبیعی از مهم‌ترین امتیازهای روستا محسوب می‌شود (راسق قربلاش، ۱۳۸۹: ۹۸). وقتی اقدام به مشاهده و مطالعه بناهای روستایی می‌شود به نظر ساده و ابتدایی می‌رسند اما واقع امر این است که این بنایاها توسط مردمانی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیت‌شان را برای ساختن آن‌ها به کار گرفته‌اند (تقوایی، بهرام‌پور و شاهین‌راد، ۱۳۸۸: ۱۰۶). معماری روستا به گونه‌ای است که به راحتی خود را با شرایط محیطی همساز می‌کند. قابلیت انعطاف‌پذیری تنها در فرم و اشکال نیست، بلکه در نحوه ترکیب فضاهای، اندازه، هندسه و ... نمایان است. یافتن پاسخ برای نیازهای روزمره در تمامی سطوح و مراحل از فراهم آوردن مصالح و آماده‌سازی آن تا طرح و ساخت بنا همگی گویای میزان خلاقیت بالای روستاییان در زمینه معماری زیبای روستایی می‌باشد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷). به همین دلیل می‌توان روستا را چهره نجیب زندگی اجتماعی و محیط امن نخستین تجربه یکجانشینی در تاریخ حیات بشری دانست که وجود سادگی روابط افراد جامعه و چهره زیبای مناظر واقع در این محیط، موجب ایجاد تفاوت‌های ماهوی میان زندگی و به تبع آن تمایز کالبدی روستاهای با شهرها شده و آرامش واقعی را برای انسان رقم می‌زند (نوش‌آفرین، ۱۳۸۹: ۱۹).

در هر گوشه از ایران، بنایی با معماری بومی روستایی متفاوت به چشم می‌خورد که در عین زیبایی، تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیطی طبیعی بنا شده‌اند و با الگوی معیشت خانواده‌ها ارتباط دارند (رضایی، وثیق و مرادی،

۵۹: ۱۳۹۳) که در این بین سیستان نیز با داشتن معماری غنی و بکر از این قاعده مستثنی نیست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). معماری سنتی در منطقه سیستان مانند هر منطقه دیگر متأثر از فرایند چرخه طبیعت در ساخت سکونتگاه روستایی است که به بهترین شکل در زندگی مردم نمود پیدا کرده است (گل محمدی، ۱۳۹۰: ۸۰). بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی تجلیگاه نحوه نظم‌پذیری خانه‌ها و زمینهای زراعی و نحوه استقرار شبکه معابر و شریان‌های ارتباطی درون روستا می‌باشد که بر زیبایی سکونتگاه‌های روستایی افزوده است. علاوه بر این، معماری بومی روستایی در سیستان بر اساس عوامل اقلیمی، فرهنگی و اقتصادی –معیشتی شکل گرفته است که ضمن احترام به طبیعت و سازگاری با آن در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد و در حفظ آسایش ساکنان منطقه تأثیر بسزایی دارد (فضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

حال با توجه به اینکه در سال‌های اخیر الگوهای سکونتگاه‌های روستایی متأثر از نفوذ اقتصادی، اجتماعی و جاذبه‌های شهری گردیده است و ظهور سلیمانی تقلیدی نو در معماری روستایی باعث متروک شدن و تغییر در زیبایی‌های سنتی روستاهای شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷)، ضروری است تا انجام پژوهشی اکتشافی تأمیلی بر زیبایی‌های نهفته سکونتگاه‌های روستایی داشته باشیم. شایان ذکر است که نتایج بدست آمده از این پژوهش علاوه بر آشکار کردن زیبایی نهفته در معماری روستایی سیستان، می‌تواند راهنمایی برای طراحان و برنامه‌ریزان روستایی باشد تا پیش از طراحی و اجرای طرح‌های کالبدی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های منطقه را درک نموده و مطابق با این ویژگی‌ها اقدام به برنامه‌ریزی نمایند نه مطابق با طرح‌های تقليیدی و برون زا. لذا با توجه به موارد بیان شده در پژوهش حاضر سوال‌های زیر مطرح می‌گردد.

نوع معماری دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بیواسطه و محکم با فرهنگ توده‌هاست که می‌تواند به یک مکان خاص تعلق داشته باشد. اولین نامی که به این معماری نهاده شده «معماری خودجوش» است. در اینجا خودجوش، معنای تصادفی بودن آن نیست، بلکه طبیعی بودن آن است که بر اساس نیازهای ساکنان یک منطقه و محدودیت‌های اقلیم و محل شکل گرفته باشد و از ظاهر زیبایی برخوردار باشد (رضایی، وثوق و مرادی، ۱۳۹۳: ۶۴). این زیبایی جزئی از ناشناخته‌ترین نیازهای انسان می‌باشد (متولی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در همین زمینه جک نسر پنج خصوصیت از محیط‌های دوست‌داشتنی را مشخص می‌کند که عبارتند از: تمیزی و نگهداری خوب، اصالت تاریخی داشتن، نظام داشتن، رنگ طبیعی داشتن و فضای باز و تعریف شده (Nasar, 1997: 28) و متولی، (۱۳۸۹: ۱۲۶).

معماری روستایی به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی دهنده ارتباطات، کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهای است. این هویت از نفس سکونت و شیوه زیست روستا نشأت می‌گیرد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۴). هماهنگی معماری روستایی، برگرفته از هماهنگی درونی طبیعت است. یکی از ارزش‌های معنوی طبیعت، واحد بودن آن از یک نظام هماهنگ است. این هماهنگی به صورت حیرت‌انگیزی همچون موسیقی بر همه عوامل طبیعت حاکم است که نشان دهنده زیبایی معماری روستایی می‌باشد (نصر، ۱۳۸۵: ۱۵۴). بافت روستا، مجموعه‌ای واحد و به هم پیوسته از فضاهای پر و خالی شامل مسکن، فضاهای مذهبی - فرهنگی - بهداشتی و خدماتی، فضاهای عمومی و اختصاصی و فضاهای ارتباطی و باز است که در کنار یکدیگر ساختار زیبای کالبدی روستایی را شکل می‌دهند.

۱. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل گیری حس زیباشناسی معماری در سکونتگاه‌های روستایی منطقه سیستان کدام‌اند؟
 ۲. تحلیل فضایی پراکنش جنبه زیباشناسی معماری در سکونتگاه‌های روستایی منطقه سیستان چگونه است؟
- ادیبات و پیشینه نظری تحقیق**
- مفهوم زیباشناسی**

بسیاری از نظریه‌پردازان که دست کم متعلق به زمان افلاطون می‌باشند، زیبایی را به عنوان یکی از خصایص اشیا می‌دانستند که منجر به تجربه‌ای لذت‌بخش در ادراک کننده‌ها می‌شود. به عنوان مثال در پرتو فلسفه افلاطون، حفظ اندازه و تناسب، همواره زیبا و پسندیده بوده و زشتی چیزی جز فقدان تناسب نیست و یا ارسسطو در دیدگاهی مشترک با افلاطون معتقد است که زیبایی مبتنی بر تناسب و آرایش منظم تعریف می‌شود و یا در مکاتب زیباشناسی متعددی که در خلال رنسانس ارائه شد، رابطه ریتم و تقارن، رابطه هماهنگ بین کل و اجزاء و وحدت در عین کثرت، زیبایی تلقی می‌شود (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۶). در عصر حاضر واژه زیبایی نخستین بار توسط الکساندر باومگاتنر در قرن ۱۸ به معنای شناخت حاصل از راه حواس، یعنی همان معرفت حسی به کار گرفته شد. کوآن زیبایی‌شناسی را به عنوان شرحی بر تعلق حس زیبایی، نوعی از ادراک توسط حواس، بازگویی منظر و تأثیر بصری ساخته‌مان می‌داند. علم زیباشناسی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روش‌های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می‌پردازد. از قرن هجدهم مفهوم زیبایی بیشتر جنبه روان‌شناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده شد و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد (کشانی همدانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲).

زیباشناسی روستایی

معماری بومی، نوعی معماری است که با مردم هم‌زاد و با محیط زندگی آنان همساز است (ناظر، ۱۳۹۲: ۴). این

بافت عمومی سکونتگاه‌های روستایی بیانگر شکل، فرم و الگوی حاصل از تأثیرگذاری عوامل گوناگون در عرصه روستا و نحوه ارتباط و کنش متقابل این عناصر و ویژگی‌ها است (خدادادی و محمدنژاد، ۱۳۹۲: ۶۱).

از طرفی دیگر، بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مبتنی بر ویژگی‌های جغرافیایی، توپوگرافی و تحت تأثیر عوامل محیطی اقلیمی مانند باد، بارش‌های جوی، تابش، نظام هدایت یافته و توزیع آب شکل گرفته است. این عوامل قانونمندی‌ها و روابط منطقی در استقرار و شکل‌گیری بنایها را به دنبال داشته که به صورت هندسه‌ای ارگانیک در بافت آن‌ها نمایان شده است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۷: ۸). سادگی رمز نهایی معماری بافت روستایی است. علت اصلی سادگی در معماری خانه‌های روستایی این است که حس حضور خداوند را در فضای معماری و دل انسان روستایی زنده کند (اکرمی، ۱۳۸۹: ۴۲). با این وجود، عواملی چند در زیبایی سکونتگاه‌های روستایی تأثیرگذارند که در جدول شماره ۱ ارائه شده است. هم‌چنین با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان بیان داشت که معماری سنتی در مقایسه با معماری مدرن از مزایایی برخوردار است که نتایج آن در قالب جدول شماره ۲ ارائه شده است.

بعضی از عوامل اثرگذار بر زیبایی سکونتگاه‌های روستایی	متوجه شدن	جهات این عوامل
فرهنگی - اجتماعی	پایپلی بزدی و وثوقی، ۱۳۷۶	مذهب، سنت، اعتقادات، مسائل امنیتی، جهان بینی افراد تفاوت‌های قومی
اقلیمی	قرشولو و همکاران، ۱۳۸۷	چهره خاک نوع قرارگیری مساکن جهت قرارگیری روستا جنس و درجه مقاومت مصالح دسترسی به مصالح نقش عوامی چون سیل، زلزله و طوفان در معماری
اقتصادی	قرشولو و همکاران، ۱۳۸۷	محل نگهداری دام، محصولات کشاورزی و ادوات کشاورزی ترکیب معماری انتخاب نوع مصالح اندازه کوچک و بزرگ خانه‌ها

ج ۱. عوامل اثرگذار بر زیبایی سکونتگاه‌های روستایی

دوره	ویژگی‌ها	منبع
ستنتی	صرف حداقل انرژی استفاده از منابع طبیعی موجود در منطقه استفاده از مصالح قابل بازیافت به محظوظ همراهی با اقلیم منطقه برآوردن نیازهای اجتماعی مردم مطابقت با اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم نشان دهنده هویت تاریخی منطقه	گرجی مهلبانی و یاران، ۱۳۸۹
معاصر	هدر دادن و نادیده گرفتن انرژی استفاده ازصالح وارداتی عدم بازیافت مصالح استفاده شده عدم همراهی با اقلیم منطقه عدم برآوردن نیازهای اجتماعی مردم عدم تطابق با اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم عدم سازگاری با هویت تاریخی منطقه	گرجی مهلبانی و یاران، ۱۳۸۹

ج ۲. مقایسه ویژگی‌های معماری بومی سنتی با معاصر. مأخذ: نگارندهان، ۱۳۹۵.

نتیجه مطالب فوق نشان می‌دهد که معماری سنتی روستایی از سنت‌های عامیانه‌ای سرچشمه می‌گیرد که در بطن فرهنگ یک ملت به‌طور ناخودآگاه وجود دارد و بیانگر آرزوهای آن‌ها می‌باشد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸). معماری سنتی در منطقه سیستان مانند هر منطقه دیگر متأثر از شرایط اقلیمی و فرهنگی آن منطقه می‌باشد. در سیستان آیین برگرفته از اقلیم و طبیعت منطقه، اعتقادات و طبقات اجتماعی مردم است. در هر گوشه‌ای از سرزمین تاریخی و کهن سیستان که بایستید خود را بر سر سفره اشتها آور تاریخ می‌بینید (گل‌محمدی، ۱۳۹۰: ۸۱). شهر سوخته، دهانه غلامان، کوه خواجه، زاهدان کهنه، قلعه سه کوهه، قلعه فتح و قلعه مچی از کهنه‌ترین نمونه‌های معماری ایران می‌باشند. مصالح اصلی بکار رفته در تمامی آثار تاریخی منطقه سیستان، مصالح بوم آورد بوده و از گل و خشت خام با طاق‌های قوسی و گنبدهای سیستانی است. جورج پیتر تیت باستان‌شناس و مورخ انگلیسی که در سال‌های ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۵ در سیستان اقامت داشته است در تشریح ویژگی‌های معماری سیستان می‌نویسد: «سیستانی‌ها در تطبیق خود با شرایط محیط اطراف شان مهارت زیادی نشان می‌دهند. خانه‌های

در زمینه زیباشناختی مطالعاتی انجام شده است که در این بین مطالعات بحرآسمانی کوهستانی و همکاران (1391) نشان می‌دهد که سادگی، تنوع، توازن، تأکید، توالی و مقیاس از مهمترین اصول زیباشناختی در طراحی می‌باشند. وحدت طلب و همکاران (1393) معتقدند که استفاده از نظم، مقیاس، تعادل و تناسب و مدول بندی در کنار مؤلفه‌های رنگ، بافت، نور و سایه و فرم از اساسی‌ترین معیارها مؤثر بر زیبایی معماری معاصر می‌باشند. بشیری و همکاران (1393) نشان دادند که ابعاد و تناسب کالبد مساقن دارای مقیاس مشخصی بوده که از نظر زیبایی شناسی و انطباق با موارد کاربردی پاسخ مناسبی را ارائه می‌دهد. رمضانی و لیوانی (1393) معتقدند که زیبایی معماری روستایی گیلان ناشی از نگاه ویژه معماران به طبیعت آن است. مطالعه ارانی‌فرد (1393) در شهر تبریز نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مربوط به رفتارهای اجتماعی در ساعات روز و شب، نوع کاربری اراضی، وجود فعالیت‌های تجاری و انتفاعی، وجود مراکز خاص جهت دریافت حس مکان، میزان برخورداری فضای از عناصر و ساختار طبیعی و سرزنشگی عرصه‌های عمومی، بیشترین تأثیر را بر زیبایی منظر شهری دارند.

معماری مناظر روستایی دارای پتانسیل قابل توجهی برای کمک به توسعه پایدار روستایی می‌کند. کالتایابو^۱ (2006) معتقد است که بافت سنتی روستاهای سیسیل دارای جذابیتی بالا هستند که می‌توان با بازسازی و مرمت آنان موفق به توسعه گردشگری پایدار در مناطق روستایی شد. سوپوکا^۲ (2012) مطرح می‌کند که حومه‌های اسلوکی (روستاهای) دارای پتانسیل بسیار زیادی در ترویج منابع طبیعی، انسانی و دانش بومی برای توسعه کالبدی روستاهای می‌باشند. این مناطق دارای پس زمینه فرهنگی و تاریخی قوی در زمینه معماری کالبدی روستایی می‌باشند که می‌توان با ترمیم، باسازی و حفاظت از میراث فرهنگی بر

مسکونی آن‌ها به صورت قابل تحسینی متناسب با آب و هوای منطقه ساخته شده است» (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲-۳). با توجه به آثار معماری بومی سیستان، سکونتگاه‌های روستایی این منطقه، در زمان و مکان خود به خوبی با اهداف معماری زیبا مطابقت داشته‌اند. در شکل‌گیری معماری بومی سیستان، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی ماهرانه انعکاس می‌باید و این معماری جوابگوی نیازهای جامعه در ارتباط با عوامل طبیعی می‌باشد. طراحی معماری در سیستان از گذشته دور با درک صحیحی از محیط اطراف و آگاهی، برای جلوگیری از صدمه‌زدن به امکانات محیطی، استفاده از عناصر طبیعی همچون باد در معماری، جنس و رنگ مصالح مناسب منطقه، استفاده از فضای سبز به ویژه فضای سبز کشاورزی جهت تعديل هوا، ایجاد رطوبت بیشتر و به طور کلی، موفق به طراحی عملکردی با رویکرد اقلیمی گشته است. بنابراین در معماری سیستان، ساختمنها طوری ساخته شده که کمترین آسیب و دخل و تصرف را در طبیعت داشته باشند و به عبارتی جزئی از طبیعت اطراف خود باشند و مصالح ساختمنی به شکل پایداری هماهنگ با طبیعت، رنگ‌ها و در کل هماهنگ با محیط هستند و با ناسازگاری و مغایرت را با محیط طبیعی پیرامون دارند که این امر باعث زیبایی سکونتگاه‌های روستایی نسبت به شهرها شده است (داوطلب، ۱۳۹۴: ۷-۸).

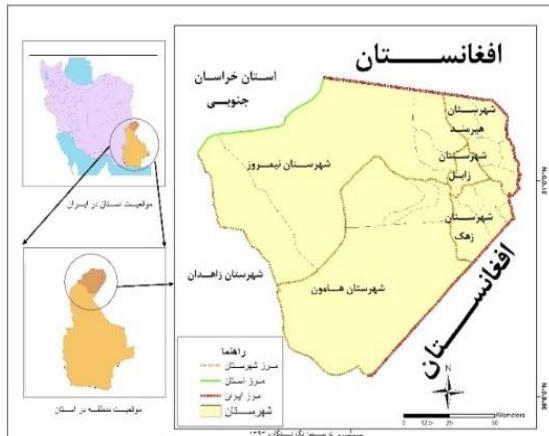
در زمینه معماری بومی روستایی ایران نیز تحقیقات فراوانی صورت گرفته است که در این بین می‌توان به مطالعات قبادیان (1377)، سرتیپی‌پور (1384)، مولانایی (1384)، گل محمدی (1390)، بهرامی (1390)، مهدیان و سرتیپی‌پور (1391)، رضایی (1392)، رضایی و وثیق (1393)، حیدری و همکاران (1393)، رضایی، وثیق و مرادی (1393)، داوطلب (1394) و کلانتری خلیل‌آباد و همکاران (1395) اشاره نمود.

زیبایی دوچندان روستاهای افزود و از طرفی راه را برای ورود گردشگران به این مناطق باز نمود. در پژوهشی دیگر فری‌آنکوا و همکاران³ (2012) بیان داشتند که سکونتگاه‌های روستایی دارای زیبایی خاصی می‌باشند که در فضای عمومی آنها قابل مشهود است. این زیبایی برای ساکنان و گردشگران جاذبه خاصی دارد. همچنین جانکو ویکوا و استپانکوا⁴ (2012) معتقدند که زیبایی فضای سکونتگاه‌های روستایی به عنوان یک چشم انداز خاص، بر توسعه و ثبات زیست محیطی روستا اثرگذار است. سالاکوا⁵ (2012) معماری زیبایی سکونتگاه‌های روستایی نشان دهنده هویت و منحصر بفرد بودن این مناطق می‌باشد که دارای چشم اندازی خاص است. توسعه و فری‌انکوا⁶ (2013) در پژوهشی نشان دادند که زیبایی منظر مناطق روستایی نقش بارزی در توسعه مناطق روستایی دارد. اهمیت زیبایی روستایی به حدی جدی است که سارافین⁷ (2012) می‌گوید: در بازسازی روستاهای باید توجه جدی به معماری بومی روستا داشت و اگر قرار است تغییرات کالبدی در این مناطق انجام شود در وحله اول باید در حفظ زیبایی‌های معماري منطقه کوشید و طرح‌ها منطبق با آن باشد.

نتایج حاصل از مطالعات فوق نشان می‌دهد که تا کنون موضوع مستقلی درباره بررسی حس زیباشناختی مناطق روستایی سیستان انجام نشده است. بر این اساس، موضوع فوق جدید و کاربردی می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

منطقه سیستان با مساحت 15197 کیلومتر مربع در شرق ایران و در شمالی ترین قسمت استان سیستان و بلوچستان واقع شده که حدود 8/1 درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است. این منطقه از شمال و شرق به مرز افغانستان محدود می‌گردد. سیستان دارای پنج شهرستان زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون می‌باشد



ت 1. معرفی محدوده مورد مطالعه.

روش تحقیق

این پژوهش بر پایه روش توصیفی - پیمایشی استوار است و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. جهت بررسی مواردی چون ادبیات نظری موضوع و پیشینه تحقیق از روش اسنادی و جهت جمع‌آوری داده‌ها و تکمیل پرسشنامه در بین کارشناسان و روستاییان از روش میدانی و پیمایشی (تکمیل پرسشنامه و مصاحبه) استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی 796 روستای سیستان با جمعیت 226334 نفر و 54198 خانوار است که

و تحلیل آن‌ها از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (FAHP) و (GRA) استفاده گردیده است. برای وزن‌دهی معیارها و زیر معیارها از مقایسه‌های زوجی فازی که توسط کارشناس‌های سازمان‌ها، ادارات و اساتید دانشگاه انجام شده، استفاده گردید و برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر از تکیک (GRA) استفاده شد. برای این منظور دو پرسشنامه طراحی و تکمیل گردید یکی برای انجام مقایسه‌های زوجی که توسط ۳۵ کارشناس تکمیل گردید و دیگری پرسشنامه‌های رتبه‌بندی عوامل که توسط ۳۴۴ نفر از سرپرستان خانوارهای روستاهای مورد مطالعه تکمیل گردید. در پایان با استفاده از آزمون T دو نمونه‌ای مستقل در نرمافزار SPSS به مقایسه نظرات دو گروه مستقل کارشناسان و روستاییان در زمینه ابعاد زیباشناختی روستایی پرداخته شد.

برای دستیابی به نتایج مطلوب با توجه به نظر کارشناسان و خبرگان محلی تعداد ۱۵ روستای دارای اصالت و معماری بومی (داشتن سابقه تاریخی و قدمت روستا، بومی بودن بافت، معماری و ساکنان روستا) با جمعیت کل ۱۳۱۳۷ و خانوار ۳۲۲۶، به عنوان روستاهای نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. با استفاده از فرمول کوکران (با ضریب خطای ۵ درصد)، تعداد ۳۴۴ نفر از روستاییان برای بررسی خصوصیات زیبایی شناختی مورد پرسشگری قرار گرفتند. برای برآورد اهداف پژوهش در چارچوب مطالعات میدانی، طیف گستره‌های از شاخص‌ها در ابعاد طبیعی، کالبدی-فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در قالب پرسشنامه‌های خبره محور مورد بررسی قرار گرفته است (جدول شماره ۳). پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت تجزیه (جدول شماره ۳).

نحوه	مؤلفه	شناخت
نوع گیاهی	نوع گیاهی	۱- وجود تنوع گیاهی زیبا در روستا، ۲- رویش انواع گیاهان وحشی در کنار رودخانه، ۳- وجود درختان میوه از جمله تاک در روستا، ۴- وجود گیاهان سبز در رودودری روستا، ۵- تراکم درختان و شاخه‌های آن جهت ایجاد سایه، ۶- وجود نمای زیبای درختان بومی مانند گز.
نوع زیستی	نوع زیستی	۱- وجود تنوع جانوری در روستا، ۲- رودخانه‌های پیچ در پیچ و روح نواز، ۳- وجود تپه‌ها با جاذبه‌های زیبا و چشم نواز، ۴- چشم اندازهای زیبا و تنوع رنگ در فضول مختلف، ۵- وجود فضای باز در اطراف روستا.
روستا	سایت روستا	۱- توجه به مقیاس، اندازه‌ها و آرایش فضایی در معماری سکونتگاه‌ها، ۲- وجود کاربری‌های اقامتی و تفریحی مناسب گردشگران در روستا، ۳- وجود کاربری‌های مذهبی دارای قدامت که سبب هویت بعضی به بافت زیبای روستایی می‌گردد، ۴- وجود کیفیت بالای اینها تاریخی در روستا، ۵- کیفیت مناسب راه‌های ارتباطی و مسیرهای موجود، ۶- وجود دید کافی و زیبا از نحوه فارگیری روستا در یک نگاه.
معماری ویژه	معماری ویژه	۱- استفاده از مصالح بومی زیبا در معماری روستا، ۲- وجود ساخت و سازهای مناسب با بافت داخلی روستا، ۳- استفاده از شیوه‌های معماری سنتی زیبا در تشکیل بافت روستا، ۴- وجود ترکیب‌بندی در بافت زیبای روستا، ۵- داشتن نمای زیبا و رودودی در اول روستا، ۶- وجود سقف‌های گنبدهای زیبا در واحدهای مسکونی روستا.
کالبدی-فیزیکی	گسترش کالبدی	۱- مهار نیروهای ناشی از سوانح طبیعی همچون باد و نور خورشید و ... با مصالح بومی، ۲- ترکیب مناسب بافت سکونتگاهی با مجموعه عوامل طبیعی زیبا ممچون درخت‌ها، رودخانه‌ها و جاده دسترسی، ۳- گسترش بافت روستا متنطبق با شیب زمین، ۴- نزدیکی روستا به رودخانه‌های زیبا، ۵- هماهنگی بین مساکن نوساز با بافت قدیمی روستا، ۶- نزدیکی روستا به زمین‌های کشاورزی و طبیعت سبز زیبا.
آرامیده	منذهبی - فرهنگی	۱- حضور مذهب در شکل‌گیری عناصر تشکیل‌دهنده و فضاهای خانه‌ها، ۲- همچوای محلاط مسکونی با مسجد و حسینی، ۳- ایجاد فضاهای بر مبنای سنن، فرهنگ و نوع معيشت، ۴- تأثیر فضاهی مورد نیاز جهت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی، ۵- وجود گورستان‌های قدیمی، ۶- معماری زیبای مسجد، ۷- قرار گیری خانه‌ها رو به قبله.
خدماتی	رفاهی - خدماتی	۱- انتباخ کامل محیط روستا با تیازهای انسانی، ۲- هماهنگی اجزای سکونتگاه با انتظارات مردم، ۳- تأمین مایحتاج روزانه مردم در فاصله‌ای در دسترس، ۴- وجود میدان‌گاه برای گذراندن اوقات فراغت، نشر اخبار و گفتگو، ۵- دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب، ۶- وجود مکانی برای دفع پسماند و زباله، ۷- وجود اماکن بهداشتی و درمانی مناسب.
تعلق خاطر	تعلق خاطر	۱- تأثیر طراحی بر ایجاد تعامل اجتماعی قوی بین ساکنین محله، ۲- هماهنگی بافت روستا با هویت اجتماعی مردم، ۳- ایجاد دید و منظر خلاقانه در معماری، ۴- رعایت کمال ظرافت و توجه به زیباشناختی در طراحی و انتخاب مصالح، ۵- کیفیت طراحی و عرصه‌بندی خصوصی، ۶- رعایت نکات امنیتی در معماری (فیزیکی، روانی، اجتماعی).
درآمدی	درآمدی	۱- تأثیر درآمد بر زیبایی معماری، ۲- تأثیر درآمد بر ایجاد فضای نگهداری ادوات مورد نیاز، ۳- تأثیر درآمد بر وارد کردن معماری برونزا، ۴- تأثیر درآمد بر مصالح وارداتی، ۵- تأثیر درآمد بر گسترش ابعاد خانه، ۶- تأثیر درآمد بر گسترش روستا، ۷- تأثیر درآمد بر مدرن‌سازی سکونتگاه.

ج ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

یافته‌های تحقیق

با توجه به مطالعات اکتشافی، 4 بعد طبیعی، کالبدی - فیزیکی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در قالب عوامل اثرگذار بر حس زیبایی سکونتگاه‌های روستایی سیستان نقش آفرینی می‌نمایند.

1. عامل طبیعی

الف. عامل تنوع گیاهی: در حوزه عامل تنوع گیاهی مؤثر بر حس زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی، شاخص‌های درخت بومی گز سیستان، وجود تنوع گیاهی در روستا و وجود گیاهان سبز در ورودی روستا به ترتیب با

وزن نرمال شده	وزن کلی	شاخص	وزن مؤلفه	مؤلفه
0/005	0/23	وجود درخت گز بومی	0/026	تنوع گیاهی
0/005	0/21	وجود تنوع گیاهی		
0/005	0/20	گیاهان سبز ورودی روستا		
0/004	0/19	تراکم درختان جهت ایجاد سایه		
0/003	0/12	رویش گیاهان در کنار رودخانه		
0/001	0/05	درختان میوه		
0/007	0/32	وجود تپه‌ها با جاذبه‌های زیبا	0/024	زیست - محیطی
0/006	0/27	وجود فضای باز در اطراف روستا		
0/005	0/21	رودخانه‌های پیچ در پیچ و روح نواز		
0/004	0/19	تنوع رنگ در فضول مختلف		
0/0002	0/01	تنوع جانوری در روستا		

ج. بررسی اثرگذاری عامل طبیعی بر زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی. مأخذ: نگارندگان، 1395.

تنوع جانوری در مناطق روستایی شده است.

2. عامل کالبدی - فیزیکی

الف. سایت روستا: نتایج حاصل از جدول شماره 5 گویای این است که گویه‌های مقیاس و آرایش فضایی در معماری با ضریب 0/25 درصد و اینه تاریخی در روستا با ضریب 0/21 درصد، دارای بیشترین اثرگذاری از نظر پاسخگویان می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان داشت که مقیاس و آرایش فضایی در معماری نتیجه توجه ژرف معماران به زیبایی منظر سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد.

ب. عامل زیستی - محیطی: نتایج جدول شماره 4 نشان می‌دهد که وجود تپه‌ها با جاذبه‌های زیبا در اطراف روستا با 0/32 درصد و وجود فضای باز در اطراف روستا با 0/27 درصد، به ترتیب بیشترین ضریب تأثیر را از نظر پاسخگویان به دست آورده است. موقعیت بیابانی سیستان باعث شده تا تپه‌های ماسه‌ای و ریگزارهای موجود به عنوان عناصر زیبای زیستی در منطقه جلوه نمایی کنند، که این امر خود متأثر از وجود گستره مناسب سرزمینی در سیستان است. از طرف دیگر، خشکسالی در تأمین علوفه دام‌های روستاییان تأثیر منفی گذاشته و در نهایت باعث کاهش

مؤلفه	وزن مؤلفه	سایت روستا
مقیاس و آرایش فضایی در معماری اینجنبه تاریخی در روستا	0/13	
کیفیت مناسب راههای ارتباطی کاربری‌های اقامتی و تفریحی مناسب کاربری‌های مذهبی دارای قدمت و هویت وجود دید کافی از نحوه قرارگیری روستا استفاده از معماری سنتی استفاده از مصالح بومی در معماری ساخت و سازهای مناسب با بافت وجود سقف‌های گنبدی وجود ترکیب‌بندی در بافت نمای زیبا در ورودی روستا مصالح بومی و مهار سوانح طبیعی ترکیب مناسب بافت با مجموعه عوامل طبیعی هماهنگی بین مسکن نوساز با بافت قدیمی گسترش بافت روستا منطبق با شیب زمین نزدیکی روستا به زمین‌های کشاورزی و طبیعت سبز نزدیکی روستا به رودخانه‌ها	0.32	
استفاده از مصالح بومی در ساخت و سازهای مناسب با بافت روستا	0/24	
همانند شواهد، نشان از اهمیت معماری و مصالح بومی در ساخت و سازهای مناسب با بافت روستا	0/22	
کسب نمودند. در واقع بافت سنتی زیبای روستا نشان از وجود معماران با تجربه‌ای می‌دهد که توانسته‌اند با تکیه بر مصالح بومی به نوعی معماری سنتی دست یابند که بیشترین انطباق را با موقعیت طبیعی منطقه دارد.	0/19	
ج. گسترش کالبدی: نتایج (جدول شماره ۵) نشان از اهمیت نقش مصالح بومی در مهار سوانح طبیعی با ضریب اثرگذاری ۰/۳۳ درصد می‌دهد. در واقع معماری بومی روستاهای سیستان به دلیل گسترش یافتن از دل محیط و عجین بودن با موقعیت طبیعی منطقه مانند بادهای شدید ۱۲۰ روزه و گرمای طاقت فرسای تابستان توانسته نقش	0/33	

ج. ۵. بررسی اثرگذاری عامل کالبدی - فیزیکی بر زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

بسیاری در مهار این بلایا داشته باشد. برای اثبات این امر می‌توان به شاخص ترکیب مناسب بافت با موقعیت طبیعی با ضریب ۰/۲۴ درصد اشاره نمود که دومین عامل اثرگذار شناخته شده است.

۳. عامل اجتماعی - فرهنگی

الف. عامل مذهبی - فرهنگی: در بین شاخص‌های عامل مذهبی - فرهنگی مؤثر در زیبا شناختی سکونتگاه‌ها، دو شاخص حضور فرهنگ و سنن در شکل‌گیری فضاهای خانه و ایجاد فضاهای منزل بر مبنای سنن و فرهنگ با ضریب تأثیر یکسان ۰/۲۱ درصد در رتبه اول قرار گرفتند. همچنین عامل وجود مقبره‌های مذهبی در روستاهای ضریب ۰/۰۴ درصد پایین‌ترین وزن را به خود اختصاص داده است (جدول شماره ۶).

ب. عامل رفاهی - خدماتی: با توجه به نتایج جدول شماره ۶ گویه‌های وجود اماکن بهداشتی و درمانی مناسب با ضریب تأثیر ۰/۲۴ درصد و دسترسی مناسب به راههای ارتباطی با ضریب تأثیر ۰/۲۳ درصد، در رتبه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند.

ب. معماری ویژه: نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که استفاده از معماری سنتی با ضریب ۰/۲۴ درصد، استفاده از مصالح بومی در معماری درصد و ساخت و سازهای مناسب با بافت با ضریب ۰/۲۲ درصد بیشترین اثرگذاری را در بعد معماری ویژه ۰/۱۹ درصد نمودند. شواهد، نشان از اهمیت معماری و مصالح بومی در ساخت و سازهای مناسب با بافت روستا

ج. گسترش کالبدی: نتایج (جدول شماره ۵) نشان از اهمیت نقش مصالح بومی در مهار سوانح طبیعی با ضریب اثرگذاری ۰/۳۳ درصد می‌دهد. در واقع معماری بومی روستاهای سیستان به دلیل گسترش یافتن از دل محیط و عجین بودن با موقعیت طبیعی منطقه مانند بادهای شدید ۱۲۰ روزه و گرمای طاقت فرسای تابستان توانسته نقش

وزن نرمال شده	وزن کل	شرح	وزن مؤلفه	مؤلفه
0/027	0/21	حضور فرهنگ و سنت در شکل‌گیری فضاهای خانه	0/13	مذهبی - فرهنگی
0/027	0/21	ایجاد فضاهای منزل بر مبنای سنت و فرهنگ		
0/022	0/17	تأمین فضاهای مورد نیاز جهت فعالیت‌های فرهنگی و دینی		
0/020	0/16	همجواری محلات مسکونی با مسجد و حسینیه		
0/018	0/14	معماری زیبای مسجد		
0/010	0/08	گسترش منازل رو به قبله		
0/005	0/04	وجود مقبره‌های مذهبی		
0/021	0/24	وجود اماکن بهداشتی و درمانی مناسب		
0/020	0/23	دسترسی مناسب به راه‌های ارتباطی		
0/015	0/17	هماهنگی بین اجزای سکونتگاه و خواسته‌ها		
0/013	0/15	دسترسی آسان به مراکز تأمین مایحتاج	0/09	رفاهی - خدماتی
0/013	0/15	انطباق روستا با نیازهای انسانی		
0/004	0/05	وجود مکان مناسب برای دفع پسماند و زباله		
0/00001	0/001	وجود میدان‌گاه برای گذراندن اوقات فراغت و...		
0/018	0/27	رعایت کمال ظرافت و توجه در طراحی		
0/013	0/19	رعایت نکات امنیتی (فیزیکی، روانی، اجتماعی)		
0/008	0/12	هماهنگی بافت روستا با هویت اجتماعی مردم		
0/007	0/11	ایجاد دید و منظر خلاقانه در معماری		
0/007	0/10	حفظ حریم خانه (آسایش روانی - فیزیکی)		
0/007	0/10	کیفیت طراحی و عرصه‌بندی خصوصی	0/07	تعلق خاطر مکانی
0/005	0/08	نقش معماری در خاطره انگیزی و هویت پخشی		
0/002	0/04	تأثیر طراحی روستا بر ایجاد تعامل اجتماعی		

ج ۶. بررسی اثرگذاری عامل اجتماعی - فرهنگی بر زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

در صد به ترتیب رتبه‌های اول و دوم را کسب نمودند. در واقع درآمد اثرات متفاوتی بر سکونتگاه‌های روستایی دارد به طوری که علاوه بر گسترش ابعاد خانه، گاهی باعث انتقال معماری بروزنزا به مناطق روستایی می‌شود. از طرف دیگر افزایش درآمد، زمینه‌ساز مهاجرت روستاییان به نقاط شهری و عدم گسترش روستا است. بررسی شاخص گسترش روستا با پایین‌ترین ضریب تأثیر (0/08)، دلیلی بر تأیید این مهم است (جدول شماره ۷).

شناسایی ضریب تأثیر ابعاد و مؤلفه‌ها بر حس زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی

نتایج جدول شماره ۸ در رابطه با ضریب اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر حس زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی

ج. عامل تعلق خاطر مکانی: در بین گویه‌های مورد بررسی به ترتیب، رعایت کمال ظرافت و توجه در طراحی با ضریب 0/27 درصد و رعایت نکات امنیتی (فیزیکی، روانی، اجتماعی) با ضریب 0/19 درصد (0/04) و نقش معماری در خاطره انگیزی و هویت پخشی با ضریب 0/08 درصد، پایین‌ترین امتیاز را کسب نمودند (جدول شماره ۶).

۴. عامل اقتصادی

در ارتباط با عامل درآمدی، گویه‌های گسترش ابعاد خانه با ضریب 0/25 درصد و معماری بروزنزا با ضریب 0/19

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که در بین ابعاد ۴ گانه فوق، عامل کالبدی - فیزیکی با ضریب تأثیر (0/59) در صد رتبه اول و عامل اجتماعی - فرهنگی با ضریب تأثیر (0/29) در صد، رتبه دوم را بدست آورده است. همچنین ابعاد اقتصادی و طبیعی به ترتیب با ضریب (0/07) و (0/05) در صد، رتبه‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص دادند.

سیستان نشان می‌دهد که عوامل معماری ویژه، گسترش کالبدی و مذهبی - فرهنگی به ترتیب با ضریب تأثیر 0/32 و 0/14 در صد، در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند. در این بین مؤلفه‌های تنوع گیاهی، تنوع زیستی - محیطی و تعلق خاطر مکانی با ضریب تأثیر 0/026 و 0/024 در صد، پایین‌ترین رتبه‌ها را در زمینه زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی سیستان کسب نمودند.

مؤلفه	وزن مؤلفه	شرح	وزن کل	وزن نرمال شده
درآمد	0.07	گسترش ابعاد خانه	0/25	0/017
		معماری برون زا	0/19	0/013
		حضور فرهنگ و سنن در معماری	0/18	0/012
		مصالح وارداتی	0/17	0/011
		فضای نگهداری ادوات	0/11	0/007
		مدرن‌سازی سکونتگاه	0/08	0/005
		گسترش روستا	0/02	0/004

ج ۷. بررسی اثرگذاری عامل درآمدی بر زیبا شناختی سکونتگاه‌های روستایی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

ابعاد	مؤلفه‌ها	وزن کلی هر بعد	وزن نرمال شده مؤلفه‌ها	رتبه نهایی عوامل	رتبه نهایی ابعاد
طبیعی	تنوع گیاهی	0/05	0/028	8	4
	تنوع زیستی - محیطی			9	4
کالبدی - فیزیکی	سایت روستا	0/59	0/165	3	1
	معماری ویژه			1	1
	گسترش کالبدی			2	1
اجتماعی - فرهنگی	مذهبی - فرهنگی	0/29	0/165	4	2
	رفاهی - خدماتی			5	2
	تعلق خاطر			6	2
اقتصادی	درآمدی	0/07	0/095	7	3
جمع	-	1	-	-	-

ج ۸. رتبه‌بندی نهایی ابعاد و مؤلفه‌های مورد بررسی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.

بعد، ضریب رابطه خاکستری محاسبه شد. در نهایت پس از تعیین ضریب خاکستری، رتبه خاکستری محاسبه شد. نتایج نهایی حاصل از رتبه‌بندی رابطه خاکستری (GRA) در جدول شماره ۹ ارائه شده است. نتایج پس از مشخص شدن ایده‌آل مثبت و منفی و

رتبه‌بندی روستاهای دارای جاذبه زیباشناختی

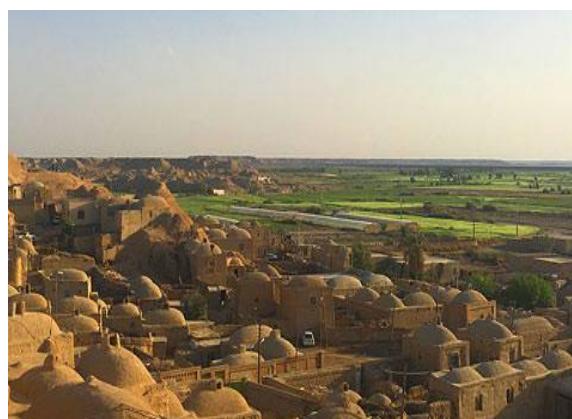
در این قسمت به منظور رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه، از تحلیل رابطه خاکستری استفاده شده است. بر این اساس، بعد از ایجاد رابطه خاکستری، ارزش‌های عملکردی بین صفر و یک درجه‌بندی شدند. در مرحله

سنجش فاصله تا ایده‌آل مثبت نشان داد که در بین ۱۵ روستای مورد مطالعه تعداد ۶ روستا (با ضریب بالای ۰/۵) درصد به ایده‌آل مثبت (بالاترین پتانسیل را در زمینه زیباشناختی روستایی دارند) که در این بین، روستاهای قلعه‌نو، سه‌کوهه و سه‌قلعه با ۱، ۰/۸۱ و ۰/۶۵۸ درصد بالاترین امتیاز را کسب نمودند. از سوی دیگر، ۹ روستا ضریب نزدیکی کمتر از ۵۰ درصد به ایده‌آل مثبت

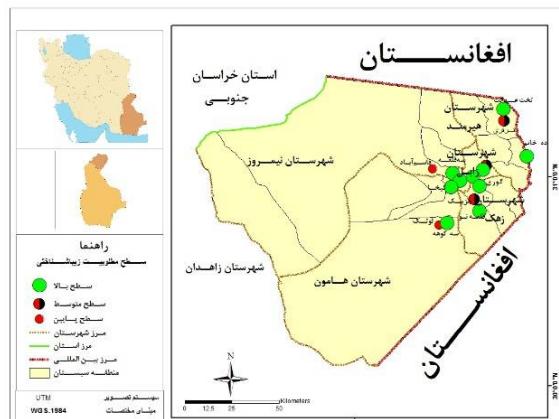
داشته‌اند که در این بین، روستاهای لوتک، شهرک گلخانی و قرقیز به ترتیب با ضرایب ۰/۲۸۶ و ۰/۳۰۴ و ۰/۳۲۴ درصد، پایین‌ترین امتیاز را کسب نمودند. تصویر شماره ۲ توزیع فضایی ضریب مطلوبیت زیباشناختی را در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد همچنین نمایی از بهترین روستای منطقه (قلعه‌نو) در زمینه زیباشناختی در تصویر شماره ۳ دیده می‌شود.

رتبه	ضریب مطلوبیت	میانگین نهایی ابعاد مورد بررسی					نام روستا
		طبیعی	اقتصادی	اجتماعی - فرهنگی	کالبدی - فیزیکی		
1	1.000	0.05	0.07	0.29	0.59		قلعه‌نو ^۸
2	0.810	0.043	0.055	0.238	0.472		سه‌کوهه ^۹
3	0.658	0.036	0.043	0.192	0.385		سه‌قلعه ^{۱۰}
4	0.597	0.033	0.039	0.170	0.346		ده‌کیخا ^{۱۱}
5	0.556	0.033	0.034	0.173	0.314		کرباسک ^{۱۲}
6	0.512	0.029	0.032	0.159	0.290		ده‌خاتم ^{۱۳}
7	0.464	0.028	0.031	0.130	0.273		ژاله‌ای ^{۱۴}
8	0.441	0.026	0.028	0.122	0.262		اسکل ^{۱۵}
9	0.417	0.025	0.026	0.116	0.248		تخت عدالت ^{۱۶}
10	0.401	0.021	0.025	0.115	0.237		گوری ^{۱۷}
11	0.378	0.021	0.025	0.109	0.222		جزینک ^{۱۸}
12	0.346	0.020	0.024	0.099	0.200		قاسم‌آباد ^{۱۹}
13	0.324	0.018	0.020	0.093	0.190		قرقری ^{۲۰}
14	0.304	0.015	0.020	0.088	0.179		شهرک گلخانی ^{۲۱}
15	0.286	0.014	0.020	0.082	0.168		لوتک ^{۲۲}

ج ۹. رتبه‌بندی روستاهای دارای جاذبه زیباشناختی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵.



ت ۳. نمایی از روستای قلعه‌نو.



ت ۲. توزیع فضایی زیباشناختی روستاهای مورد مطالعه.

نتیجه

مقایسه نظرات کارشناسان و روستاییان در زمینه میانگین ابعاد زیباشناختی

در این قسمت از پژوهش، برای مقایسه نظرهای کارشناسان و روستاییان در زمینه زیباشناختی روستایی از آزمون T دو نمونه‌ای مستقل استفاده گردید. در جدول شماره 10 مقایسه میانگین‌های بین دو جامعه نمونه (کارشناسان و روستاییان) در دو حالت انجام گرفته است:

(الف) با فرض برابری واریانس بین دو جامعه

(ب) با فرض برابر نبودن واریانس دو جامعه

در این راستا، جدول شماره 10 شامل دو آزمون است. آزمون اول برابری واریانس‌ها با مقدار 10/1 برای آماره F و با معیار تصمیم 333/0 نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس‌ها را نمی‌توان رد کرد.

یعنی با توجه به اطلاعات این نمونه، واریانس معدل در بین کارشناسان و روستاییان باهم برابر است. آزمون دوم، آزمون مقایسه میانگین‌ها می‌باشد که با فرض برابری واریانس‌ها، معیار تصمیمی (Sig(2-tailed)) برابر 64/0 دارد که بسیار بزرگتر از 05/0 است و دلیل کافی برای رد وجود ندارد. با فرض برابر نبودن واریانس‌های دو جامعه، از نمونه کارشناسی و روستایی نیز همین نتیجه حاصل شد. در هر صورت نتیجه این آزمون برابری نظر کارشناسان و روستاییان را در زمینه حس زیباشناختی روستایی تأیید می‌کند. با این وجود دو گروه مستقل ما نظر یکسانی در مورد ابعاد زیباشناختی روستایی (کالبدی - فیزیکی، اجتماعی - فرهنگی، طبیعی و اقتصادی) در منطقه مورد مطالعه دارند و هیچگونه شکافی بین نظرات آنان وجود ندارد.

روستاهای از جمله نقاط سکونتگاهی می‌باشند که شکل‌گیری و گسترش آن‌ها منطبق با محیط، فرهنگ،

نیازها و خواسته‌های ساکنان روستاهای می‌باشد. این هماهنگی‌ها موجب شده تا گستره روستایی کشور از مزیت‌های بالقوه زیباشناختی بهره‌مند شوند که نمونه آن در نقاط روستایی سیستان مشاهده می‌شود. نتایج حاصل از مطالعات اکتشافی تحقیق گویای این است که عوامل چهارگانه طبیعی، کالبدی - فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی بر زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی سیستان مؤثر می‌باشند. در واقع هماهنگی مجموعه عوامل فوق باعث شده تا معماران بومی شرایط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی منطقه را درک کنند و مطابق با آن به طراحی کالبدی نقاط روستایی اقدام نمایند. نتایج تحقیق سرتیپی‌پور (1391)، رضایی و همکاران (1393)، رمضانی و لیوانی (1393) نشان می‌دهد که معماری بومی متاثر از شرایط محلی منطقه می‌باشد و بین الگوهای کالبدی محلی و ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد، به طوری که طراحی کالبدی روستاهای نتیجه مستقیم عوامل درونی تأثیرگذار بر منطقه می‌باشد که این امر عامل به وجود آمدن زیبایی منظر در بستر سکونتگاه‌های روستایی شده است. در بین عوامل چهارگانه شناسایی شده، عامل کالبدی - فیزیکی بالاترین رتبه را دارا می‌باشد زیرا معماری و بافت روستا علاوه بر جنبه‌های ظاهری، از لحاظ ماهوی نیز با مقیاس و آرایش فضایی در معماری سازگار می‌باشد. از سوی دیگر ساخت و سازهای روستایی متناسب با بافت روستا می‌باشد که این امر موجب بهره‌برداری مناسب از مصالح بومی شده است. استفاده از مصالح بومی تأثیر شگرفی بر مهار سوانح طبیعی و ترکیب مناسب بافت با مجموعه عوامل طبیعی دارد که نمود آن را می‌توان در زیبایی نقاط روستایی سیستان مشاهده نمود. دومین عامل اثرگذار بر زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی عامل اجتماعی - فرهنگی است. در همین زمینه عامل فرهنگ و سنن نقش‌آفرینی بارزی

دارد. قرارگیری خانه‌ها بر گرد مساجد و حسینه‌ها تأکیدی بر این مهم است. در این نوع معماری هماهنگی بین اجزای سکونتگاه باعث شده تا نیازهای انسانی به نحوه مطلوب بر طرف گردد. همچنین خانه به عنوان محیط امن خانواده در ایجاد آرامش روانی، فیزیکی و اجتماعی اهالی نقش بارزی ایفا می‌کند که این نتیجه توجه ویژه معماران به عرصه‌بندی خصوصی منازل روستاییان است. اما در این بین، عوامل طبیعی و اقتصادی کمترین نقش را در زیباشناختی سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کنند. در زمینه عوامل طبیعی می‌توان بیان داشت که خشکسالی‌های اخیر نقش منفی بر زیباشناختی روستاهای داشته است. خشکسالی موجب خشک شدن باغ‌ها و درختان میوه موجود در روستاهای شده که خود تأثیر منفی بر زیبایی‌های طبیعی روستا دارد. از طرف دیگر، خشکسالی عامل از بین رفتان مراعع و منابع تغذیه احشام و دام‌های روستاییان شده که خود از عوامل منفی مؤثر بر زیباشناختی روستاهای همچنین عامل درآمد، بر ورود مصالح وارداتی و برونزای به روستا نقش مهمی دارد زیرا این مصالح می‌توانند بر زیبایی معماری منازل روستایی تأثیر سوء گذارد و عامل ترویج معماری تقليدی نقاط شهری در روستا باشد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود تا عوامل شناسایی شده مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان روستایی قرار گیرد و در تمامی طرح‌های توسعه روستایی به ویژه طراحی‌های کالبدی ترتیب اثر داده شود. بر این اساس پیشنهادهای زیر مطرح می‌باشد:

- توجه خاص به استفاده از مصالح بومی در معماری و ساخت و سازه؛
- اهمیت دادن به عقاید مذهبی و سنتی مردم روستایی در زمینه طراحی کالبدی؛
- استفاده از گیاهان بومی و سازگار با اقلیم منطقه در جهت زیباسازی طبیعت روستا؛

پی نوشت

1. Caltabiano
2. Supuka
3. Feriancová et al
4. Jančovičová & Štěpánková
5. Salacova
6. Toth & feriancova
7. Sarafin
8. Ghale No
9. Se Kohe
10. Se Ghale
11. Deh Keykha
12. Karbasak
13. Deh Khatam
14. Zhalei
15. Askel
16. Takhte Adalat
17. Gouri
18. Jazinak
19. Ghasem Abad
20. Ghorghori
21. Shahtak Golkhani
22. Loutak

فهرست منابع

- اکرمی، غلامرضا. (۱۳۸۹). رازهای معماری روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱: صص ۵۰-۲۷.
- بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰)، تحلیل بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴: صص ۹۵-۱۰۴.
- بشیری، سجاد؛ زارع، ابراهیم؛ ضیابخش، ندا. (۱۳۹۳)، رابطه تناسب با زیبایی‌شناسی در معماری اسلامی، اولین همایش ملی افق‌های نوین در توانمندسازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، ارزشی و محیط زیست شهری و روستایی، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
- ارانی‌فرد، سوزان؛ حسینلو، معصومه؛ شکری، زهرا. (۱۳۹۳)، سنجش عوامل مؤثر در زیبایی منظر شهری از دیدگاه شهروندان

- (مطالعه موردي: روستاهای هلسپ) ، فصلنامه فرهنگ اسلام، شماره 45: صص 77-58.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ حاجی پور؛ مجتبی؛ فتاحی، احصاله و پایدار کل سنگ، ابوذر. (1391)، بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی با معماری بومی و میزان رضایتمندی ساکنین روستایی (نمونه موردي: بخش مرکزی شهرستان دلفان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 139: صص 98-85.
- رمضانی، میریم؛ لیوانی، معصومه. (1393)، شناسایی الگوهای زیبایی‌شناسی منظر بومی گیلان مبتنی بر تحلیل منظر روستایی (نمونه موردي: روستای پس چیر)، فصلنامه پژوهش‌های منظر شهر، شماره 2: صص 53-39.
- وحدت طلب، مسعود؛ نژاد ابراهیمی، احمد؛ نیک‌مرام، امین. (1293)، مفهوم‌شناسی زیبایی هندسی و معیارهای ارزیابی آن در معماری، دومن کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری.
- بحرآسمانی کوهستانی، سمیرا؛ میکائیلی تبریزی، علیرضا؛ سلمان ماهینی، عبدالرسول؛ کامیاب، حمیدرضا. (1391)، بررسی اصول زیبایی‌شناسی در طراحی و معماری طبیعت، دومن کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1384)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 22: صص 52-43.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1387)، روستا؛ سکونتگاه مطلوب، فصلنامه انقلاب و مسکن، شماره 123: صص 13-2.
- عطائی، محمد. (1389)، تصمیم‌گیری چند معیاره فازی، شاهروند، دانشگاه صنعتی شاهروند.
- عنابستانی، علی‌اکبر؛ وصال، زینب. (1395)، تحلیل عوامل مؤثر بر ایجاد بrnd گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردي: شهرستان بینالود) ، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، شماره 16: صص 148-127.
- فاضل‌نیا، غریب؛ کیانی، اکبر؛ خسروی، محمودعلی؛ بندانی، میثم. (1390)، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی – فیزیکی روستایی تمکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان‌های شن و ماسه، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 136: صص 16-3.
- قبادیان، وحید. (1377)، بررسی اقلیمی اینه سنتی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- قرخلو، مهدی؛ کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ اسکندری نوده،
- نمونه تبریز، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وشوقي، فاطمه. (1376)، مسکن روستایی: فرهنگ و توسعه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 41: صص 46-26.
- پاکزاد، جهانشاه؛ ساکی، الهه. (1393)، نشریه هنرهای زیبا، شماره 3: صص 14-5.
- تقوايی، علی‌اکبر؛ بهرام‌پور، مهدی؛ شاهین‌راد، مهنوش. (1388)، بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه، آسیب‌شناسی رهنموده، فصلنامه آرانشهر، شماره 2: صص 112-105.
- حبیبی، آرش؛ ایزدیار، صدیقه؛ سرافرازی، اعظم. (1393)، تصمیم‌گیری چند معیاره فازی، رشت، انتشارات کتبیه گیل.
- حکاکی، سید مسعود و همکاران. (1394)، تعیین کارای و الیت‌بندی هتل‌ها با روش تحلیل پوششی داده‌ها، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، شماره 2: صص 155-145.
- حیدری، ابوالفضل؛ معماریان، غلامحسی؛ محمد مرادی، اصغر؛ حسین‌ناعی‌پور، سید مصطفی. (1393)، بررسی امکان‌پذیری شیوه‌های بومی استفاده از باد در جهت بهبود هویت در معماری مسکن روستایی امروز سیستان، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار، آبان 1393، مشهد.
- خدادادی، پروین؛ محمدمنژاد، علی. (1392)، نقش بافت با ارزش روستایی در توسعه گردشگری (مطالعه موردي: روستای جواهرده رامسر) ، فصلنامه فضای گردشگری، شماره 8: صص 88-59.
- داوطلب، جمشید. (1394)، الگوهای پایداری در معماری بومی سیستان، همایش معماری و شهرسازی بومی ایران، بهمن‌ماه 1394، یزد.
- راسق قربلاش، سلیمان. (1389)، گردشگری روستایی و لزوم توجه به آن در برنامه‌های توسعه و آبادانی روستاهای، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 129: صص 109-98.
- رضایی، مسعود. (1392)، نقش اقلیم در شکل گیری معماری بومی مناطق کوهستانی غرب ایران، کنفرانس بین‌المللی عمران و توسعه پایدار، تبریز.
- رضایی، مسعود و وثیق، بهزاد. (1393)، واکاوی معماری پایدار در معماری بومی روستایی اقلیم سرد و کوهستانی ایران، تهران: انتشارات طحان.
- رضایی، مسعود؛ وثیق، بهزاد؛ مرادی، ابراهیم. (1393)، جایگاه الگوهای معماری پایدار در معماری بومی روستایی

- Environment - Journal for Theory and Care for The Environment, Vol. 46, No. 4, Pp. 209-213.
- Jančovičová, M. & Štěpánková, R. (2012). Methods of making public areas to Vidienu. *Acta Horticulturae Et Regiotecturae*, Vol. 15, No. 2, Pp. 44-49.
 - Nasar, J. (1997) The Evaluative image of the city. Ohio State University, Sage Publication.
 - Salacova, M. (2012). Principles of rehabilitation and rural development in the czech republic. In Environment - Revue On Theory and Care for The Environment, Vol. 46, No. 4, Pp. 186- 192
 - Sarafin, M. (2012). Rural futures in the range of architecture - the village versus town. In Environment - Revue on Theory and Care for The Environment, Vol. 46, No. 4, Pp. 199-203.
 - Supuka, J. (2012). Traditionally, access and opportunities for renewal and rural development. In Environment - Revue On Theory and Care for The Environment, Vol. 46, No. 4, Pp. 171-175.
 - Toth, A. & Feriancova, I. (2013). The role of landscape architecture in rural development, mendelnet, 2013, Pp. 516-520.
- محمد. (1387)، بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشكیل روستا - شهر، مورد: آارد و پرنداک، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 65. صص 53-70
- کلانتری خلیل آباد، حسین؛ کاظمی، سید محمد؛ حیدری، علی اکبر؛ طباطباییان، مریم؛ حقی، مهدی. (1395)، بررسی موردی: مسکن روستایی در سه پهنه‌بندی در استان سمنان، فصلنامه نقش جهان، شماره 6. صص 65-79
 - کشانی همدانی، مینا؛ قلعه‌نویی، محمود؛ دانشپور، عبدالهادی؛ سالاری، فرامرز؛ شاهینوندی، احمد. (1394)، مقایسه تطبیقی پارامترهای زیباشناختی فضای شهری از دیدگاه کودکان و بزرگسالان، فصلنامه مطالعات شهری، شماره 14: 19-30.
 - گرجی‌مهلبانی، یوسف؛ یاران، علی. (1389)، راهکارهای معماری پایدار گیلان بهمراه قیاس با معماری ژاپن، نشریه هنرهای زیبا، شماره 41. صص 43-54
 - گل محمدی، فرهود. (1390)، بررسی شیوه‌های آموزش و ترویج دانش بومی معماری روستایی (نمونه موردی: استان سیستان و بلوچستان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 136: 79-94. صص 136
 - متولی، مسعود. (1389)، بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متواالی (نمونه موردی: مسیر گردشگری دارآباد تهران)، فصلنامه آرمانشهر، شماره 5. صص 123-139
 - مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن. (1390)، شناسنامه آبادی‌های کشور، استان سیستان و بلوچستان، تهران.
 - مولانایی، صلاح الدین. (1384)، هویت در معماری ناشناخته غرب ایران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره 21: صص 192-205
 - مهدیان؛ عزیزالله و سرتیپی‌پور، محسن. (1391)، مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم انداز آتی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 140: صص 3-12.
 - نصر، سیدحسین. (1385)، معرفت و معنویت، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: سهروردی.
 - نوش آفرین، ساناز. (1389)، روستا - شهر تجربه‌ای جدید در شهرهای امروز، ماهنامه منظر، شماره 9. صص 18-21.
- Caltabiano, I. (2006). The traditional architecture in Sicily: The rural area around the volcano Etna, conference on passive and low energy architecture, Geneva, Switzerland, 6-8 September 2006.
- Feriancova, L., Kuczman, G., & Toth, A. (2012). Approaches and solutions to public spaces villages. In